

شهین نعمت زاده

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

کلیدواژه ها:

□ پارامتر هسته □ نمایه سازی □ گروه اسمی

چکیده

نمایه سازان عصر حاضر از جمله استفاده کنندگان دستاوردهای زبانشناسی هستند. "پارامتر هسته" (head parameter) نخستین بار توسط نوام چامسکی معرفی شد و هم اکنون مورد قبول اکثر زبانشناسان است. پارامتر هسته یا به عبارت دیگر، تفاوت زبانها از نظر ترتیب قرار گرفتن عناصر، مدعی است که با کمی استثنا، زبانهای دنیا، هسته آغاز و هسته پایان هستند. اگر هسته گروه قبل از وابسته های آن قرار گیرد، زبان هسته آغاز است و اگر هسته بعد از وابسته های آن واقع شود، زبان هسته پایان است. از آنجا که کلیدواژه های انتخابی نمایه ساز، گروه اسمی هستند، در این مقاله تنها مفهوم هسته گروه اسمی مورد بحث قرار می گیرد و مقایسه ای بین زبان فارسی و انگلیسی، که در مواردی با یکدیگر تفاوت دارند، انجام می شود.

مقدمه

علم اطلاع رسانی یک علم چند رشته ای است و زبانشناسی یکی از رشته های سازنده آن است. یکی از اولین آثاری که به رابطه اطلاع رسانی و زبانشناسی می پردازد، کتاب، زبانشناسی و اطلاع رسانی نوشته جونز وکی (منبع ۱۰) است. واقعیت این است که علمای اطلاع رسانی با مسائل زبانی سر و کار دارند و از دستاوردهای زبانشناسی بهره می برند (به عنوان مثال نگاه کنید به: منبع ۲) در این مقاله به یکی از آخرین دستاوردهای زبانشناسی، یعنی پارامتر هسته اشاره می شود. تصویر نگارنده بر این است که این مفهوم می تواند مورد استفاده کتابداران و اطلاع رسانی قرار گیرد.

هسته و وابسته

از جمله کارهایی که یک عالم معمولاً انجام می دهد، مشخص کردن واحد مطالعه اش است. در نگاه اول به نظر می رسد که واحد مطالعه زبانشناس، زبان است، اما بر حسب اینکه زبانشناس به کدام بخش از زبان بپردازد، واحد مطالعه تخصصی اش فرق می کند. واحد مطالعه عالم صرف، واژه و به زبان دقیقتر "تکواژ"^۱ است واحد مطالعه عالم نحو جمله است. پارامتر هسته نخستین بار توسط یک عالم نحو در نحو مطرح شد. بنابراین عمدتاً یک مبحث نحوی است.

علمای نحو، همانند علمای دیگر در حوزه مطالعه خود اقدام به طبقه بندی می کنند در قدم اول جمله را به دو گروه اسمی و فعلی تقسیم می کنند که مشابه همان تقسیم بندی سنتی جمله به نهاد و گزاره، است، پس:

^۱ - تکواژ (morpheme) کوچکترین واحد ساختاری معنی دار زبان است. واژه ممکن است یک تکواژی باشد مثل "کتاب"، ممکن است دو تکواژی باشد مثل "کتابخانه" (کتاب + خانه) و ممکن است سه تکواژی باشد مثل "کتابداری" (کتاب + دار + ی)

مثال: جمله = گروه اسمی + گروه فعلی
 علی سیب را خورد - علی + سیب را خورد هر یک از گروهها ممکن است به
 گروه اسمی گروه فعلی

گروههای کوچکتری تقسیم شوند مثل گروه صفتی، گروه حرف اضافه و گروه قیدی.
 مثلاً در جمله:

این سه کتابدار مرجع با دقت تمام به سؤالات پاسخ می دهند

در گروه اسمی "این سه کتابدار مرجع"، "کتابدار مرجع"، گروه صفتی است. با "دقت تمام"، "گروه قیدی" و "به سؤالات"، گروه حرف اضافه است. همانطور که ملاحظه می شود گروه ممکن است از یک یا چند واژه، تشکیل شود. مثلاً گروه اسمی "این سه کتابدار مرجع"، دارای چهار واژه است و گروه فعلی "با دقت تمام به سؤالات پاسخ می دهد". دارای شش واژه است. در اینجا پنج نکته مهم مطرح می شود:

۱. در ساختمان جمله دو نوع مقوله وجود دارد. مقوله گروهی مثل گروه اسمی و گروه فعلی ... و مقوله واژگانی مثل فعل، اسم و صفت.

۲. در هر گروه یک واژه وجود دارد که به آن "هسته" (head) می گویند. واژه یا واژه‌های دیگر گروه، "وابسته هسته" (head argument) هستند. مثلاً در گروه اسمی "این سه کتابدار مرجع"، "هسته"، کتابدار است و "این"، "چهار"، "مرجع"، وابسته هسته هستند. همینطور در گروه فعلی "با دقت تمام به سؤالات پاسخ می دهند"، "پاسخ می دهند"، هسته و دیگر واژه ها وابسته هسته هستند.

۳. واژه هایی که قبل از هسته قرار می گیرند، "وابسته پیشین" واژه هایی که بعد از هسته می آیند، "وابسته پسین" هستند.

۴. جایگاه هسته در گروه، یعنی جایگاه هسته نسبت به وابسته هایش مسئله مهمی در زبانشناسی است. در گروه اسمی "این سه کتابدار مرجع" هسته یعنی "کتابدار" بین دو وابسته پیشین (این، سه) و یک وابسته پسین "مرجع" قرار گرفته است. اما در گروه فعلی "با دقت تمام به سؤالات پاسخ می دهند"، هسته، یعنی فعل، بعد از همه وابسته ها قرار گرفته است.

۵. با توجه به ملاحظات بالا، زبانشناسان پارامتر هسته را معرفی می کنند و براساس این پارامتر زبانها را به دو دسته "هسته آغاز"، و "هسته پایان" تقسیم می کنند. در زبانهای هسته آغاز، هسته هر گروه در آغاز گروه ظاهر می شود و وابسته ها بعد از آن می آیند، به مثال انگلیسی توجه کنید:

These	three	reference	librarians	مرجع
وابسته	وابسته	وابسته	هسته	

در زبانهای هسته پایان، هسته هر گروه، در پایان گروه، بعد از همه وابسته های آن ظاهر می شود، مثل "فعل" در گروه فعلی زبان فارسی. البته زبانهایی هم هستند مثل فارسی که از نظر جایگاه هسته، در مواردی هسته آغاز و در مواردی هسته پایان و یا هسته وسط هستند. در گروه اسمی "این سه کتابدار مرجع" هسته یعنی "کتابدار" بین وابسته ها واقع شده است.

نمایه سازان و گروه اسمی

نمایه سازان غالباً با گروه اسمی سر و کار دارند. در بیشتر گروه های اسمی مورد استفاده در نمایه سازی، یعنی کلیدواژه ها، زبان فارسی عمدتاً هسته آغاز و زبان انگلیسی هسته پایان است به مثالهای زیر توجه کنید:

مثال:

الف - سازمانها - ی	بین المللی	Organizations	International
هسته	وابسته	هسته	وابسته
ب - ایفا - ی	بفتن	playing	role
هسته	وابسته	هسته	وابسته
ج - تحلیل فرهنگی مرز گذر	وابسته	analysis	cross cultural
هسته	وابسته	هسته	وابسته

از آنجا که ترکیب "صفت و موصوف" ترکیب رایجی در کلیدواژه هاست. در اینجا شواهدی از این ترکیب در دو زبان داده می شود. از نظر رده شناختی، زبان انگلیسی دارای آرایش "صفت + اسم" و زبان فارسی "اسم + صفت" است (نگاه کنید به مثال الف).

اگر در کلیدواژه ای، دو صفت موجود باشد، این دو صفت در انگلیسی قبل از اسم و در فارسی بعد از اسم ظاهر می شود. نگاه کنید به مثال "ج" و مثال زیر:

مثال:

داروهای سنتزی	خوراکی	drugs	oral	synthetic
هسته	وابسته	هسته	وابسته	وابسته

بنابراین نمایه سازان فارسی زبان و هر نمایه سازی که زبانش آرایش "اسم + صفت" دارد به هنگام جستجو در اصطلاحنامه های انگلیسی باید به این نوع تفاوت های رده شناختی توجه کنند. نمایه سازان هم چنین باید ترتیب صفات را در ترکیب دو صفتی بررسی کنند، در این باب یک جهانی زبانی^۱ به ما چنین می گوید: "هر چه فاصله هست و وابسته (در اینجا صفت) بیشتر باشد به مقدار اطلاعاتی که آن صفت مفروض بیان می کند، محدودتر است" (منبع ۸: ص ۱۰۸).

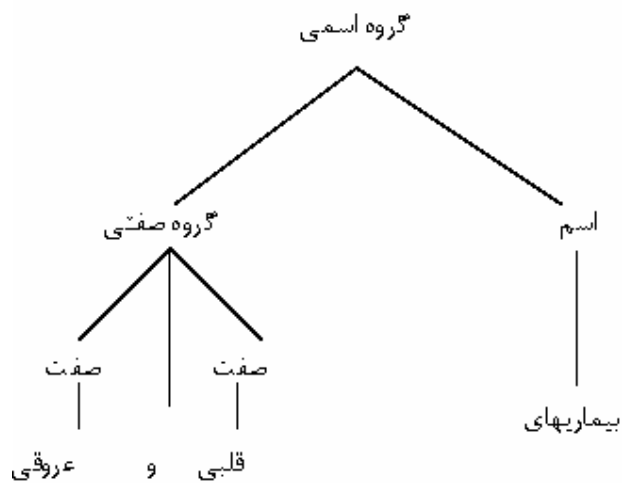
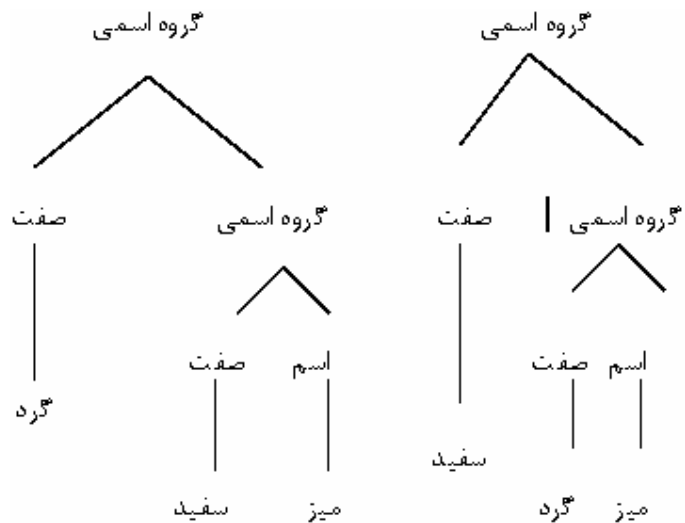
به عنوان مثال **میز گرد و سفید** از نظر اطلاعاتی با **میز سفید گرد** تفاوت دارد. به زبان دیگر، "میز گرد سفید"، گردتر از "میز سفید گرد"، "میز سفید گرد" سفیدتر از "میز گرد سفید". این تفاوت را می توان به وسیله نمودار درختی نشان داد:

اما اگر صفات در یک ساخت همپایه ظاهر شوند، فاصله صفت از اسم مشکلی ایجاد نمی کند.

مثال: بیماریهای قلبی و عروقی = بیماریهای عروقی و قلبی

همین ترکیب در نمودار درختی به صورت زیر نمایش داده می شود:

^۱ - جهانی زبانی (linguistic universal) عبارتست از آن دسته از ویژگیهایی که بین زبانهای انسانی مشترک است (منبع ۶: ص ۳۳).



نتیجه

شایسته است که نمایه سازان با دستاوردهای شناختی و مکاتب نوین زبانشناسی آشنا شوند. از آنجا که نمایه سازان بیشتر با گروه اسمی سر و کار دارند بی‌مناسبت نیست که ساخت گروه اسمی را در زبان خود و زبان مقصد مطالعه کنند.

References

1. S.R. Anderson. **Amorphous Morphology** Cambridge University Press, Cambridge, 1992.
2. Yu.M.Arsky. "The Achievements of VINITI in Computational Linguistics", **International Forum on Information and Documentation**. Vol.20, No.4 1995, Pp 37-40.
3. L. Bauer. **English word-formation** Cambridge. University Press, Cambridge. 1993.
4. L.S. Bonura. **The Art of Indexign**. John wiley & Sons, Inc, New York, 1994.
5. N. Chomsky; H. Lasnik. Principles and Parameters Theory, To appear in J. Jacobs, A. von Stechow, W. Stemefeld, and T. Vennemann (eds.) **Syntax: An International Handbook of Contemporary Research**, Walter de Gruyter, Berlin, 1991.
6. B. Comrie. **Language Universals and Linguistic Typology** Blackwell, Oxford, 1989.

7. V.J. Cook; M. Newsan. **Chomsky's Universal Grammar, An Introduction.** Blackwell, Oxford, 1996.
8. G. Decsy. **A Select Catalog of Language Universals.** Eurolingua, Bloomington, Indiana, 1988.
9. A. Giorgi; G. Longobardi. **The Syntax of Noun phrases, Configuration, parameters and Empty Categories** Cambridge University press, Cambridge, 1991.
10. K.S. Jones, M. Kay. **Linguistics and Information Science.** New York, Academic press, 1973.
11. G. Webelhuth (ed). **Government and Binding Theory and the Minimalist Program.** Blackwell, Oxford, 1995.